

چند تلگراف

از صدیق الممالک حاکم دشتستان

به

فرمانفرمای فارس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از

سروان مجید و هرام



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چند تلگراف

از صدیق الممالک حاکم دشتستان به فرمانفرمای فارس

از

سروان مجید و هرام

در میان انبوه اسنادی که از صاحب اختیار غفاری فرمان فرمای کل فارس^۱ در نزد آقای حسنعلی غفاری یکی از بازماندگان آن مرحوم بجا مانده ، تلگراف های متعددی از صدیق الممالک شیبانی^۲ وجود دارد که ایشان باسعه صدر خاص خود این اسناد ارزنده را در اختیار ، گذارده اند که از نظر روشن ساختن قسمتهای مبهم و تاریک تاریخ اواخر دوره قاجاریه و هرج و مرج صفحات جنوبی ایران و نحوه وصول مالیات و وضعیت ارتش بسیار حائز اهمیت میباشد ، از اینرو بسیار بجا است که از هراحم آقای حسنعلی غفاری سپاسگزاری بعمل آید .

اسنادی که در این شماره از نظر خوانندگان مجله بررسیهای تاریخی

۱ - صاحب اختیار غفاری از بازماندگان (فرخ خان امین الدوله غفاری) است که از رجال متنفذ و عالی مرتبه دوره قاجار بشمار میرفته و مأموریت پاریس (عهدنامه ۱۲۷۳ قمری) در مورد مسأله هرات بین ایران و انگلیس باو محول شده بود که با وساطت ناپلئون سوم منعقد و عهدنامه مذکور به امضای مشارالیه رسیده است .

۲ - حاجی میرزا ابراهیم خان شیبانی که در زمان مظفرالدین شاه به لقب صدیق الممالک ملقب گردیده است .

میگذرد تلگرافاتی است که صدیق الممالک شیبانی امیرتوهمان و حاکم وقت تنگستان و دشتی ودشتستان به فرمان فرمای کل فارس مخابره نموده است. اسناد مذکور حاوی مطالبی است که مطالعه آنها نه تنها خالی از لطف نیست بلکه از بررسی دقیق آنها چنین استنباط می‌گردد که شالوده و اساس زندگی در صفحات جنوبی ایران چگونه دستخوش یاغی گری اشرار و بازیچه دست بیگانه بوده و نظم و امنیت شهرها و دهکده‌ها و راهها بسبب تعدی و تجاوز اشرار و قتل و غارت و لجام گسیختگی مزدوران خارجی چگونه معدوم گشته و شرارت و نا امنی در سراسر نواحی مختلف جنوبی جای گزین آن شده است.

بدیهی است در چنین وضعی اجرای دستورالعملها برای مودیان مالیاتی مفهوم واقعی نداشته و نحوه وصول مالیاتها مختل گشته در نتیجه حقوق ارتشیمان، حکام و غیره بموقع پرداخت نمیشد از اینرو انضباط روز بروز رو به انحطاط رفته و سربازان دستورات مافوق را بخوبی اجراء نمی‌کردند و فرار را برقرار ترجیح داده در شهرها و دهکده‌ها متفرق و یا مشغول کار میشدند.

در نتیجه داهنه اغتشاشات و نابسامانیها بالامی گرفت، وضع املاک خراب میشد، دستورات ضد و نقیض^۳ به حکام ولایات و تبعیض و رشوه خواری و نحوه اجرای دستورات موجب بروز صدها حوادث ناگوار دیگر میگردد.

هربرگی از این اسناد روشنگر گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی و اداری و لشکری کشورما در اواخر دوره قاجاریه بوده و حقایق انکارناپذیری را که سبب بروز انقلاب مشروطیت در ایران گردیده آشکار میسازد.

نگارنده در تدوین این مقاله از راهنماییهای بی‌شائبه و محققانه سرکار سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی و از مدار کی که در باره شرح حال و

۳ - رک - به اسناد شماره ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۵ مندرج در همین مقاله

زندگی صدیق الممالک در اختیار گذارده اند سپاسگزاری فراوان مینماید .
 با در دست داشتن چنین مدارک متقن که بی شبهه از نظر محققین و مورخین
 بسیار ارزنده خواهد بود . دریغ است که شمه‌ای ولو باختصار ، از شرح حال
 مردی صادق و خدمتگذار ملت در اینجا آورده نشود .

مختصری از شرح حال حاجی میرزا ابراهیم خان شیانی ملقب به صدیق الممالک

منابع اطلاعاتی در باره شرح زندگانی مرحوم صدیق الممالک بسیار کم
 و بچند فقره محدود منحصر میگردد . خود او شرح مختصری از زندگی خود
 را در کتاب خویش بنام منتخب التواریخ مظفری آورده و حاجی میرزا مصوم
 نایب‌الصدر از دوستان نزدیک وی بنقل از نسخه کتاب مزبور، در جلد دوم کتاب
 طرائق الحقایق بآن اشاره نموده و مطالبی هم از ویژگیهای زندگی خصوصی
 وی را بمناسبت آشنائی کافی که با مشارالیه داشته از خود بدان افزوده است
 در مآخذ مذکور ترجمه حال صدیق الممالک تا سال ۱۳۱۳ شرح داده شده
 در حالیکه وی تا سال ۱۳۲۷ قمری در قید حیات بوده و کتاب او هم سوانح
 تاریخی را تا خاتمه سال ۱۳۲۲ هجری قمری شامل است ولی جمع این اطلاعات
 باضافه آنچه از کتاب منتخب التواریخ تألیف صدیق الممالک مربوط بسالهای
 آخر زندگی او بدست می آید و همچنین اطلاعاتی در باره زندگی خانوادگی
 و خصوصی او را سرکار سرهنگ دکتر قائم مقامی در مقاله مبسوط و جامعی
 برشته تحریر کشیده اند و این مقاله زیر عنوان « حاجی میرزا ابراهیم خان
 صدیق الممالک مؤلف منتخب التواریخ مظفری » در شماره ۲۹۱ سال چهارم
 مجله یادگار در سال ۱۳۲۶ خورشیدی به چاپ رسیده است مضافاً اینکه مقاله مزبور،
 چند سال بعد با انتشار مقاله دیگری متضمن چند فقره سند زیر عنوان « گرانی
 سال ۱۳۱۶ قمری در تهران » که آن نیز بقلم سرکار سرهنگ دکتر قائم مقامی

بوده ۴ و عین اسناد آن بار دیگر باعکس اسناد در کتاب یکصد و پنجاه سند تاریخی از «جلایریان تا پهلوی»^۵ انتشار یافت. تکمیل گردید.

اما بهر حال زندگی دولتی و اداری صدیق الممالک از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۷ قمری که وی در گذشته است تاریک بود تا اینکه، بطوریکه در بالای آن اشاره شده ۲۷ فقره تلگراف که بامضای صدیق الممالک خطاب به فرمانفرمای غارس مخابره شده است بدست آمد. بدین ترتیب مقاله حاضر، هم آگاهی های دیگری از زندگی صدیق الممالک بماندهد و هم گوشه ای از تاریخ قاجاریه را که مقارن با انقلاب مشروطه ایران بوده است روشن می کند.

بدین ترتیب خوانندگان گرامی را برای اطلاع از شرح حال صدیق الممالک به مقالات و مدارکی که اشاره شد حواله میدهیم و در اینجا عین تلگرافها را از نظر ایشان میگذرانیم:

= ۱ =

در باره مسئله تیر تلگراف و دریافت جریمه از میرزا علیخان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص روحی فداه دستخط مبارک در مسئله تیر تلگراف زیارت تیر سیم برازجان و شبانکاره سنه ماضیه و اول هذه السنه که این صفحه اغتشاش داشت عیب کرده بود آنوقت غلام خانه زاد تهران حضور مبارک بود چهار ماه است غلام وارد دشتستان شده چون اسماعیل خان عامل پارسال و امسال شبانکاره بر حسب حکم عمل شبانکاره را یک طوری با جناب اجل اکرم آقای اختیارالدوله گذرانند در حکومت دشتی و دشتستان تغییر کرده عامل برازجان وقتی که چوب عیب کرده میرزا علی خان و او هم مبالغی مالیات هذه السنه مأخوذ و فراراً رفته پناهنده به اسماعیل خان و حسین شبانکاره شده غلام و

۴ - ر. ک به مجله یفما : شماره ۲ سال ۱۷ ، اردی بهشت ۱۳۴۳
۵ - تألیف سرکار سرنهک دکتر قائم مقامی ، از انتشارات ستاد بزرگ ارتش تاران : ص ۳۵۵-۳۶۷

غضنفر^۱ السلطنه عامل و مستاجر جدید بر از جان بی گناه اطاعت امر مبارک بر غلام واجب جان و مال غلام متعلق به حضرت مستطاب اشرف اعظم روحی فداه چون احکام حضرت مستطاب اشرف اعظم مدظله عادلانه است بعضی را قدرت جسارت نمود اولاً مستدعی جریمه دیگری را قیمت یا عوض تیر تقدیم نماید این چوب قیمتی ندارد ثانیاً مسئله دیگر هیچ دخلی به غلام نداشته و در حضور مبارک اشتباه مینمایند هر چه مقرر فرمائید بدهد و الا صاحب جان و مال نیست عریضه تبریک و تهنیت ورود قدوم مبارک با پست عرض کرده است.

صدیق الممالک

بتاریخ ۹ شهر ذیحجه سنه ۱۳۲۳

=۲=

تلگراف است که فرمان فرمای فارس در مورد حفظ نظم و امنیت و وصول مالیات به صدیق الممالک مخابره نموده است

جناب جلالتآب صدیق الممالک حاکم دشتی و دشتستان از وقتی که وارد شدم تا کنون خبری از شما نرسیده و راپورتی نداده‌اید البته با کمال استقلال مشغول حکومت خودتان بوده باقی مالیات خودتان را هر چه در محل دارید صورتی نوشته تلگراف کنید و هر مطلبی که از این و بعد داشته باشید فوراً اطلاع بدهید و مخصوصاً در نظم راه و انتظام کار تفنگچیها خیلی دقت کنید که راه منظم باشد و خلاف نظمی اتفاق نیفتد و مالیات خودتان را زودتر وصول کرده بفرستید.

غلام حسین

بتاریخ ۱۴ شهر ذیحجه سنه ۱۳۲۳

۱ - در متن تلگرافات « غضنفر » نوشته شده است .

=۳=

در مورد اغتشاشات دشتستان و مالیات معوقه

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص دام اقباله العالی سابقاً تلگرافی در مسئله شعبه سیم تلگراف فرمودید جواب تلگرافاً عرض کرد به ملاحظه اینکه میفرمایند خبری از غلام خانه زاد نرسیده است شاید آن تلگراف را از طرف حضرت اشرف اعظم روحی فداه سیم ایرانی عمل کرده بوده و جواب غلام را هم از لحاظ مبارک نگذرانیده اند این است که به سیم انگلیسی جسارت مینماید دشتی و دشتستان در سنه ماضیه و اول هذه السنه در کمال اغتشاش بود غلام خانه زاد در وسط سال منصوب و مأمور بیست پنجم رجب از شیراز حرکت سلخ رجب بندگان حضرت مستطاب اسعد اشرف اقدس اعظم والا روحنا فداه به طرف تهران و فرنگ تشریف فرما شدند در ورود غلام هم تمام خوانین این صفحات هم قسم شده بودند که در ادعای مالیات دیوانی ابداً حاضر نشوند بلافاصله هم بلوای شیراز برپا شد و برقوت قلب و جرأت و انتظار حضرات افزوده شد غلام هم به تدبیرات عملی آن سرهارا [این سرراهها] در نهایت امن و امان نگاهداشته شب و روز خواب و آرامی خود را صرف نظم ولایت و راه شاهی و تفنگچی و غیره نمود حالا که لله الحمد والمنان حق بهمرکز قرار گرفته هر گاه تلگراف مؤکدی در استقلال حکومت هذه السنه و سنه آینده غلام مرحمت فرمودند و بر استعداد غلام از سرباز و سوار افزوده فرمایند یعنی به اندازه سنوات سابقه امیدوار به فضل خداوند است که خوب از عهده خدمت برآید مالیات دشتی و دشتستان بدون حرکت توپ هیچ وقت به حیظه وصول نرسیده خصوص با این اتفاقات و اخبارات دو عراده توپ به قورخانه در برازجان حاضر و موجود است و اسب و قاطر توپ در بوشهر کراراً خواسته ام نداده اند بلکه کار گزاران حکومت بوشهر مدام در صدد کاغذ پرانی و اسباب فراهم آوردن اغتشاش این صفحه از تصدق فرق مبارک نتوانسته اند کاری صورت بدهند بلکه روز بروز بر نظم ولایت و نظم طرق و شوارع افزوده شد هر گاه مرحمت بندگان حضرت مستطاب

اشرف اعظم روحانفداه شامل حال غلام قدیم است تازه نظم راه شاهی ،
 کازرون هم کما فی السابق باید ضمیمه آن وقت با مرحمت حضرت اشرف روحی -
 فداه نظم کار و خدمت ملاحظه فرمایند اگر اجازه مرحمت یکنفر از طرف
 خود حضور مبارک روانه دارد چاکر قدیم .
 صدیق الممالک
 بتاریخ شهر ۱۴ ذی حجه سنه ۱۳۲۳

=§=

در باره پرداخت حقوق عقب افتاده افراد

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف اعظم
 آقای وزیر مخصوص روحی فداه صاحب منصب و سرباز مأمور دشتستان و
 دشتی دو بیست نفر حاضر یکصد و هشتاد و پنج نفر حقوق حاضر تا آخر سال تمام
 داده ام سبب تو مان هم مواجب از قرار حکم علی الحساب داده ام حالا گرسنه
 مانده اند تلف میشوند دیناری مداخل نیست سرقت و غارت را مانع جداً
 مطالبه باقی مواجب می نمایند تلگراف به میر پنبجه جواب غلام خانه زاد
 نمیدهند تکلیف معین فرمائید.

غلام خانه زاد صدیق الممالک

بتاریخ ۱۷ شهر ذیحجه سنه ۱۳۲۳



=○=

در مورد دریافت مالیات معوقه تنگستان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم آقای وزیر
 مخصوص روحی فداه اول سال حضرت اشرف اسعد والا آقای اجلال الدوله

۶- بنظر میرسد چون تلگرافخانه های اولیه در دست عمال انگلیسی بوده ناچار
 بودند تلگرافات فارسی را با حروف انگلیسی بنویسند. در این مقاله گراور شماره ۳ از
 همین نوع است که برای آگاهی خوانندگان مجله مبادرت به چاپ صفحه اول آن شده است.

(۷)

دامت شو کته دوئلت تنکستان که مال دیوان است به حیدرخان تنکستانی و ثلث دیگر به حسین خان رجوع اهرم و خاویز و آباد و سمل ملکی یاتیولی حضرت اجل اشرف آقای نظام السلطنه دام اقباله العالی را نیز به حیدرخان واگذار فرموده هشتم شعبان غلامخانه زاد بر ازجان آمد بلافاصله بندگان حضرت مستطاب اسعد امجد اشرف اقدس اعظم والا روحنا فداه تشریف فرمای تهران و فرنگ هر ساعتی هزاران اخبار در این صفحه انتشار حیدرخان تا آخر عقرب مثل سایر عمال اداء مالیات نکرد ناچاراً . عمل به حسین خان واگذار نمودم پنجهزار و سیصد و پنچ تومان اصل مالیات اهرم و خاویز آباد و سمل دو هزار تومان تتمه مالیات تنکستان دریافت آخر دلو است با کمال سعی مدارا و مهر بانی، [شاید هنوز یک هزار تومان نداده باز هم ناگزیراً حیدرخان را آورده تمسک گرفته کدخدایان آنجا نیز ضامن که از عهده برآیند حسین خان حاجی ابن فرهاد که از اول اشراز تنکستان با خود همدست و قلعه اهرم گرفته لاعلاجاً توپ سرباز حرکت داده پس از زیارت تلگراف مبارک فوراً . نوشتم در آباد و سمل توقف تا دادستان بعرض برسانم جواب حسین خان مخایره فرمائید سال به آخر رسید بدون اینکه توپ سرباز بخواهی مالیات دیوان شیراز یا بوشهر تحویل کند خاطر مبارک مطمئن نماید فوراً . توپ سرباز رجعت دهد اگر چیزی بغلام داده و لوکان خلعت بهائی که به گماشته غلام داده آنرا هم محسوب دارد در آستان مبارک مبرهن است غلامخانه زاد مایل به شرارت نیست مردم این صفحه هم محال است بی حرکت توپ و استعداد گزاف اداء مالیات کنند چنانچه پارسال و اول سال حضرت اشرف والا آقای اجلال الدوله دام اقباله العالی با چند هزار نفر سرباز سوار دیوانی و ایل و چریک با این مردم کش مکش میکردند تلگراف مبارک سابقه که در برقراری سنه آتیه غلامخانه زاد مخایره و مرحمت فرموده بودند برای خوانین ارسال احوالپرسی اظهار مرحمت حضرت مستطاب اشرف مدظله را با حاد و افراد آنها تبلیغ مینماید در انتظار دستور العمل حکم مطاعه میباشد .

صدیق الممالک

بتاریخ ۲۷ شهری حجه سنه ۱۳۲۳

=۶=

در مورد سرگویی اشرار و دریافت مالیات تنگستان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص روحی فداه چند نفر اشرار تنگستانی برای ندادن مالیات دیوان اعلی و ممانعت وصول آن اطراف حسین خان گرفته در مقابل هم توپ سربازو کدخدایان صحیحه تنگستان حاضر کرده ام جواب سخت به آنها مرحمت فرمایند غلام - خانه زاد هم اطمینان نوشته که اگر اداء مالیات دیوان نمایند کسی را به آنها کاری نباشد متفرق خواهند شد تنگستانی هر گاه سخت نشود خیرگی مینمایند سال گذشته مالیات لم یصل نمی ماند .

غلام خانه زاد صدیق الممالک

بتاریخ ۲۷ شهر ذی حجه سنه ۱۳۲۳

=۷=

در مورد اعزام توپ و سرباز برای وصول مالیات و پرداخت حقوق افراد

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی مأموریت غلام نیمه اخیر سال لدی الورود دشتستان اغتشاش شیراز بدذاتی خوانین این صفحه که هیچوقت بی استعمال توپ و تفنگ دیناری مالیات نداده ابداً عادی بمهربانی نمیباشند پس از توجه بندگان حضرت اشرف مدظله امور فارس منظم و غلام مورد مرحمت برای وصول مالیات اهرم تنگستان اردو فرستاده حالا واجب و الزم مسئله سرباز بموجب دستور العمل نیمه اخیر سنه ماضیه جیره پرداخته چهار صد هفتاد تومان از مواجب علی الحساب داده بعداً مطالبه تتمه مواجب و تفاوت جیره قبل از مأموریت دشتستان و جیره هذه السنه عرایض خود آنها و غلام به حاج لطف علی خان میر پنجه بی نتیجه میر پنجه گویا برای تصفیه حساب آجودان میفرستم حضرت اجل اشرف آقای سردار

اکرم روحی فداه میفرمایند تمام حقوق فوجی را میربنجه گرفته نان جو یکمن سی شاهی تمام برهنه گرسنه در کارفرار از شدت گرسنگی دیروز شیفور کشید که اردو شکسته فرار نمایند یاور توپخانه و آقا میرزاعلی فرستاده غلام که رئیس اردو میباشند سرباز دوسه روزی ساکت مستدعی است که به میربنجه حکم فرمایند آجودان برای تصفیه حساب روانه دستور العمل برای حقوق جدید مرحت فرمایند شاید جلو گیری شود.

صدیق الممالک

بتاریخ ۲ شهر صفر سنه ۱۳۲۴

= ۸ =

در مورد یاغی شدن حسین خان و تصرف قلعه اهرم

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی تلگراف چند روز است برای آقا سید مرتضی داده ام از ایشان خبری نشده نمیدانم فکر چه اقدامی در اشتباه کاری خواهد داشت حسین خان هم اطمینان داد بر از جان آمده که وجه نقد و ضامن معتبر بدهد جناب آقا موشک دو انید نگذاشت او هم رفته با اشرارش در قلعه اهرم اردو نزدیک آنجا وضع پریشانی سرباز مقروض با مهملی حاجی لطفعلی خان هم آن سرباز متفرق و فرار مینمایند عجالتاً مستدعی است تلگرافی به حسین خان این مضامین شرف صدور یابد حسین خان اظهار کرد صدیق الممالک قسم نامه نوشت رفتم بر از جان خوب رفتی چه اقدامی کردی وجه و ضامن تاجر دادی یانه گمان میکنیم با مهر بانی اداء مالیات نخواهید کرد سال گذشت همه را به ماطله و طفره گذرانیدی مردیکه پدر سوخته پس تمسکاتی که از بابت مالیات اهرم خاویز آ باد سمل سمر مالیات تنگستان که به مهر خودت ضمانت برادر هایت و آن پدر سوخته های دیگر در دست صدیق الممالک چه چیز است جواب تمسکات مالیاتی را که داده فقط عوض آن قبض و برات صدیق الممالک برای تو سند خواهد شد ابراز کن ببینم

چه داری بوصول این تلگراف باید بموجب تمسکات اداء مالیات سنه هاضیه نمائید یا قلعه تخلیه بتصرف مأمورین صدیق الممالک بدهید و الا حکم میکنم توپ بقلعه بسته با خاک یکسان و پدرت را بسوزانند نهایت اگر ملکی در آنجا دارید محصولش مال خودتان مشروط بر اینکه مالیات شخصی خودتان را بپردازید نیر میگویم گوش به اراجیف نداده خود را خراب نکنید حکومت یونیت نیل هم بخود صدیق الممالک داده ام کمال قوه استعداد برایش میفرستم نوکر بسته مخصوص خود من است وزیر مخصوص شاید متوجه بعضی اقدامات نشود جواب حقوق سر باز زود مرحمت فرمائید که امر آنها گسیخته شده نان جو سی شاهی سر باز هم هیچ ندارد تماماً تلف فرار میکنند.

صدیق الممالک

بتاریخ ۴ شهر صفر سنه ۱۳۲۴

= ۹ =

در مورد برقراری نظم در برابران جان درسه قریه نظر آقا و سریت و عموی و دستگیری اشرار آن سامان

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اسعد اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی بلوک زیراه جزو دشتستان خالصه دیوان بوده مرحوم سعد المملک از دولت خرید به اسماعیل خان شبانکارهئی اجاره داده او هم قراء موسوم بنظر آقا و سریت و عموی که این سد قریه جزو بلوک زیراه میباشد به موبد خان که سابقاً خان زیراه بوده و شوهر عمه و خاله زاده خود اسماعیل خان است اجاره داده نوشته لعنت نامه هم به مهمد خان سپرده که خود و اولاد و احفادش نتوانند از او انتزاع دهند اسماعیل خان محمد علی خان پسرش را بامتجاوز از سیصد نفر تفنگچی بفته وقت مغربی به قریه نظر آقا فرستاده مهمد خان بیچاره با کلبه ملی خان برادرش با چند نفر دیگر در کمال بی خیالی بدفع استعداد درب خانه نشسته که تفنگچی با محمد علی خان وارد و بنای شلیک میگذارد کلبه ملی-

خان و برادر مهمد خان بایک نفر دیگر را مقتول مهمد خان را با یک پسر و چند نفر برادرزاده صغیر الکبیراً گرفته اسیر کرده با تمام دارائیش آنچه بوده با سرا حرکت داده زیراه میسر ند میگویند مهمد خان صاحب دولت گراف بوده محمد هاشم خان ولد ارشد مهمد خان در قریه عموئی ساکن و از همه جا بی خبر پس از اینکه کار مهمد خان به آن تفصیل ساختند برای قتل محمد هاشم خان و غسارت اموال او حمله به قریه عموئی مینمایند محمد هاشم خان خود را به برج میرساند هفت نفر جمعیت داشته این جوان مردانه بمدافعه پرداخته بقرار راپورت از طرفین چند نفر مقتول و مجروح محمد هاشم خان به نزد غلام فرستاده مطلب را اطلاع داده امداد خواست چون سرباز در بر از جان ندارم میرزا محمد خان غضنفر - السلطنه که خان و عامل بر از جان و داماد همین اسماعیل خان میباشد. مهمد خان و کلبعلی خان مقتول هم خالوی او است حاضر و ملتزم و قدغن اکید نموده که همه جا در حدود و سامان بر از جان تفنگچی بگذارند و از دستبرد این شخص شریب جان و مال مردم بر از جان محفوظ کند و سیصد نفر تفنگچی هم به حمایت محمد هاشم خان بیچاره که در عموئی محصور بوده روانه دارد چون غضنفر السلطنه و سایر خوانین بر از جان و اهالی و تفنگچیان آن در کمال اطاعت و تمکین می- باشند فوراً همان شبانه بداستان معروض اقدام نموده به اسمعیل خان سخت نوشتیم که از هر کب شیطان پیاده شود از سخط و غضب بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اسعد ارفع اعظم آقای وزیر مخصوص فرمان فرمای کل مملکت فارس روحنا فداء حذر و اندیشه کن در همان جوابهای مهمل و قسمهای غلاظ شداد که در موقع خواستن آقاخان ولد میرزا علیخان قاتل جوان بازیار و سارق اموال بر از جانی که تلگرافاً بندگان حضرت اجل اشرف اعظم روحنا فداء خواسته بوده مذکور داشت دو نفر سوار هم بقریه نظر آقا نزد محمد علی خان پسرش فرستاده قدغن کردم که دست از پا خطا نکند و به تفنگچیان بر از- جان نیز قدغن اکید شده که مستحفظ محمد هاشم خان بوده باشند و از پوست

خودنجنبند الا در مواقع دفاع لزوماً داستان به عرض آستان مقدس میرسانم صدیق الممالک، آنچه به عقل خانه زاد میرسد به اسمعیل خان تلگرافی به این مضمون مخابره فرمایند اسمعیل خان از قرار راپورت بدین جهت و سبب محمد علیخان پسر تافتهنگچی بسیار قریه نظر آقا فرستاده کلبعلی خان بایکنفر دیگر مقتول مهمدخان بایکنفر دیگر مقتول و یک پسر و چند برادر زاده ها اسیر و تمام دولت و دارائی او را به زیراه خانه خراب خودت برده ئی و تفنگچیان را به قریه عموئی برای قتل و غارت محمد هاشم خان پسر دیگر مهمدخان فرستاده و در آنجا هم اسباب مقتول شدن چند نفر از طرفین شده ئی صدیق الممالک هم کاغذ بتو نوشته نصیحت و تهدید کرده از آن جوابهای لاطایل کذب که برای مسئله آقاخان قاتل باز یار و سارق اموال خانه میرزا حسین خان و غیره که با تفنگچیان خودت مشغول اینکار کرده بودی دادای این است که تلگرافاً حکم میکنم باید مهمدخان و عیال و اطفال و تمام اموالش را باطلاع صدیق الممالک وارد نظر آقا نموده که پسر فلان فلان شده ات و تفنگچیان ت معاودت دهند تا بگویم صدیق الممالک تفنگچیان بر از جان راهم عودت دهد تا همین اندازه شرارت و قتل و غارت که کرده ای از عهده جوابش هر گاه بر آمدی برای هفت پشت پدرت کافی است سلمنا زیراه ملک سعد المملک من خودم اختیار دارم به یک مبلغی اضافه برای مالکش بدیگری اجاره خواهم داد دست شرارت تو فلان فلان شده را از زیراه و ازدنیا کوتاه میکنم که مردم از شر شرارت تو فلان بهمان راحت بوده باشد معلوم میشود خیالش این است که بکلی مهمدخان و اولاد و کسانش معدوم کند که دیگر کسی در صدد اجاره کردن و عاملی زیراه نباشد ولیکن آدم کافی معتبر دیگر حاضر است تارائی جهان نمای مبارک چه اقتضا فرماید.

غلام خانه زاد صدیق الممالک

بتاریخ ۱۴ شهر صفر سنه ۱۳۲۴

= ۱۰ =

در مورد جلوگیری از شرارت اسمعیل خان

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی تفصیل اسماعیل خان شبانکاره تلگرافاً بدون کم زیاد معروض میفرمایند با آن قدرت و توپ سرباز و قشون یکصد و پنجاه نفر سرباز با وضع معروضه و توپ کوچک با قاطر کرایه قرب اهرم برای آنجهام خیلی کم است جزئی سرباز در نزد غلام سوار هم مثل این است که نباشد توپ بزرگ با قورخانه کامل حاضر باید مقرر فرمائید اسب توپخانه از بوشهر بدهند سرباز صحیح از شیراز مرحمت فرمایند با تفنگچی برای جانی قدری جلوگیری از اسماعیل خان کرده ام تلگراف مبارک برای اسماعیل خان میفرستم جواب مهمل و دروغ میگوید ساعت بساعت بر عده تفنگچی میافزاید سوار و سرباز و اسب توپخانه استعداد اگر دید آدم میشود پس از زیارت تلگراف مبارک مشغول مخابره در بندر ریگ و اشتباه کاری بتوسط سعد المملک طهران طرق و شوارع در کمال نظم و امنیت محل اسمعیل خان خارج از راه،] انتظار جواب تلگراف مفصل دارد.

صدیق الممالک

بتاریخ ۱۶ شهر صفر سنه ۱۳۲۴

کتابخانه مدرسه فیه علم

= ۱۱ =

در مورد بی نظمی و بی انضباطی سربازان اردو و یاغی شدن اسمعیل خان شبانکاره

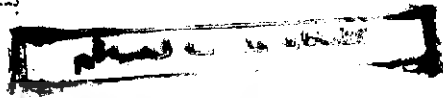
حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی آجودان آمد محاسبه سنه ماضیه روشن سیصد بیست چهار تومان هم از بابت هذه السنه به سرباز داده ام ابداً دیگر تمکین نمیکند هر ساعت اردو برهم و از کوهها فرار شاید هر کدام شیراز میآیند

(۱۴)

عوض تنبیه مورد لطف حضرت امیر پنجه حکم و تلگراف امیر پنجه بحال این سرباز اثر ندارد يك مرتبه توپ در صحرای تنگستان میماند وضع نظامی که این قسم شد البته حسین خان تنگستانی مالیات نمیدهد قلعه خالی نمیکند اسمعیل خان شمانکاره مرتکب هرزه گوی هر گاه استعداد بغلام نرسد اسباب بسا اشکالات فراهم دیگر هر چه عرض کند حکایت به حضرت لقمان حکمت آموختن است ۲۳ صفر قدرت جسارت نمود .

صدیق الممالک

بتاریخ ۲۴ شهر صفر سنه ۱۳۲۴



= ۲ =

در مورد تصرف قلعه اهرم و درخواست قوای امدادی

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف آقای وزیر مخصوص مدظله العالی تلگراف مبارک برای اسمعیل خان فرستاد و کاغذ در کمال سختی نوشت تغییر وضع نداده از روز اول غلام خسانه زاد را بسی استعداد فرستاده اند همه از بی استعدادی است ورود آجودان تا امروز بیست پنج نفر سرباز از اردو و بر از جان فرار آجودان بیچاره هم هر چه ظفره میزند بی ثمر تلگراف مبارک به سرباز ارائه گویند سرباز که این روزها گریخته دو روزه وارد شیراز هر گاه آنها را تنبیه برای ما عبرت والا نان جو یک من سی شاهی گرمای دشتستان تمام میرویم از نداشتن سوار سرباز رسته نظم اینجا گسیخته میشود مالیات پارسال امسال سوخت خواهد شد بنمک مبارکت از مخارج فوق الطاقه و نبودن دیناری مداخل به هیچ اسم و رسم برای همه متحیر که به چه لسان عرض حال نماید هر گاه معجلا سرباز [،] سوار [،] اسب [،] توپخانه بغلام خانه زاد [،] استعدادای شرفیابی جاروب کشی آستان مبارک مینماید میخواست قلعه اهرم از حسینخان تخلیه مالیات سنه ماضیه هده-

السنه آنجا وصول نماید حسین خان تخلیه نکرد متجاوز از دو ماه اردو معطل بتحریر آقا سید مرتضی و غیره کمال خیره گی کرد بواسطه مایوسی از سرباز دید عودت اردو بدون هیچ اقدام اقتضاح زیاد تا به تدبیر عملی ولطایف الحیل برای خضر خان تنگستان و حیدر خان را محرمانه دستور العمل داده که قلعه بگیرند شب بیست سیم قلعه را تصرف حسین خان خود را از برج انداخت بادست شکسته فراریکنفر از تفنگچیانش مقتول چند نفر مجروح اشارش را هم اهرم محاصره حاصل اقدامات واقعه را از روی صحت بوده معروض مینماید .

صدیق الممالک

بتاریخ ۲۶ شهر صفر سنه ۱۳۲۴

= ۱۳ =

در مورد مأموریت خضر خان تنگستانی و نظم دادن به تنگستان حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی مستدعی است جواب فرمایند توسط صدیق الممالک زایر خضر خان تنگستانی دستور العمل محرمانه در گرفتن قلعه از حسین خان پدر سوخته بصدیق الممالک داده بودم او شما را مأمور اینکار راپورت گرفتن قلعه شب بیست سوم صفر کما هو حقه رسید حتی میدانم حسین خان خود را از برج پرتاب دستش شکسته کاش گردنش شکسته بودمی باید خودش اشارش معدوم کرده باشید صدیق الممالک نهایت تمجید از رشادت و درستی شما معروض مورد کمال مرحمت من هستم این است میگویم صد هزار آفرین [،] من بعد نو کر مخصوص خود من سپرده به صدیق الممالک میباشد پالتو کشمیری که صدیق بشما خلعت داده از طرف من بوده و به صدیق نوشته ام رئیس حاجی ابن فرهاد سایر اشار حسین خان که در اطراف سنگر دارند طوری مجازات دهید که عبرت شود و نظم تنگستان اهرم از شما بخواهد مالیات ٹیلان ٹیل که حیدر خان سر تیب تنگستانی بضمانت شما و حسن این

خدا بخش و جمال ابن احمد و قاسم ابن برفی تمسکات سپرده معجلا پرداخت نمائید در امر نهی صدیق تخلف جایز ندانید نیک بد از چشم شخص شما می بینم اخبار اراجیف را نشنوند معزولی در حکومت دشتستان و دشتی برای صدیق الممالک نیست و او نوکر مخصوص خود من است . ۲۸ صفر

صدیق الممالک

بتاریخ ۲۸ صفر سنه ۱۳۲۴

= § =

در مورد تنبیه و عودت سربازان فراری و اعزام نیروی کمکی

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی تلگراف تنبیه سربازان فراری و حکم عودت آنها بصاحب منصب و سرباز ارائه پس از زیارت هشت نفر دیگر فرار پس از آن واضح بنای شرارت و فحاشی گذاشته اند گویند خود میر پنجه دستور شرارت از شیراز داده دشتی و دشتستان این وضع مستدعی است لامجاله سیصد نفر سرباز فریدنی یا غیر آن پنجاه نفر جرارشش رأس اسب جهت توپ بزرگ است ساتنی مترزود مرحمت والاچنان رشته نظام گسیخته شود اصلاح ناپذیر تلگراف مبارک برای اسمعیل خان فرستاد قربانت کردم مردم این صفحه تا استعداد دیوان نه بینند تغییر حالت پیدا نمیکنند زیاده قدرت جسارت ندارد . غلام زرخرید صدیق الممالک

بتاریخ ۴ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= § =

در مورد تظلم اهالی دشتستان و درخواست اعزام دویمت نفر تفنگچی از بوشهر

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی آقاسید مرتضی متظم شده رعایای اهرم تنگستانی

از زایر خضر خان و حسین خان و حیدر خان عرض تظلم دارند عرض و تظلم رعیت باید بوشهر خدمت جناب آقا بوده باشد یا از دست مباشرین و کدخدایان بغلام خانه زاد هر گاه غلام رسیدگی کرده یا خود غلام تعدی بر عایا کرده یا به ایالت جلیله عظمی فارس روحی فداه بایست شکایت نمایند بنمک مبارک سوگند تمام اسبابها را آقا و یکنفر در بوشهر فراهم هر دو حاجی حسین خان و حاجی- ابن فرهاد حالاً که با هزار زحمت حسین خان از قلعه خارج اسم او را نیز مخلوط ورد گم کرده اند سابقاً معروض داشت در اغتشاش برازجان ابن فرهاد احضار بوشهر دستور العمل شرارت بمشارالیه تنگستان هفت نفر را کشت از آقا سید - مرتضی پرسش فرمائید نمیتواند انکار کند پس از گرفتن قلعه دو مکان در اهرم حاجی ابن فرهاد سنگر محکم بسته تدارک جدال است از آقا پرسش فرمائید چرا از سنگردازی حاجی ابن فرهاد در اهرم هیچ نمیگوئید و روز قبل غلام به زایر خضر خان نوشت برای شب ششم تفنگچی گرد کنند جهت زن حاجی اسد- فرهاد و خراب کردن خانه او و آجودان روانه اردو [۴] نوشت توپ و سرباز هم حاضر شوند با معیت تفنگچیان حمله بر نندسرباز آنچه دانست فحش و هرزگی به آجودان و صاحب منصب [۴] قربانت کردم چه خاک بر سرم بریزم خوب است تلگراف بحکومت بوشهر فوراً دو یست نفر از سرباز فریدنی روانه برازجان کلک این کار کننده شود سرباز کمره مفتضح کرد و سرباز کمره را احضار فرمائید تا استعداد بغلام مرحمت فرمائید غلام با تفنگچیان برازجان نگاه داشته البته با این وضع روز بروز بر شرارت اسمعیل خان و غیره افزوده میشود و نفر کاکاسیاه خیلی رشید اسمعیل خان سر راه آمدند یک نفر تفنگچی راه شاهی مقتول کردند و تفنگچیان هم هر دو کاکاسیاه کشتند این دیگر از اقبال بی زوال خودت است

غلام زر خرید شب پنجم ربیع الاول صدیق الممالک

بتاریخ ۵ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۶ =

در مورد بردن دو عراده توپ از برازجان به بوشهر

حضور مبارك حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی هردم از این باغ بری میرسد ناچار واضح معروض به ادله معلوم خاکپای مبارك نمایم جناب اجل دریابیسگی کتیمان میکند غلام طالب کارایشان با جناب آقا سید مرتضی همدست مدتی است مشغول تحریک اسباب چینی [۴] توپ کوچک تنگستان [۴] توپ بزرگ با قورخانه برازجان غلام مستدعی شده بود شش رأس اسب جهت توپ بزرگ از شیراز یا بوشهر مرحمت [۴] ایشان چنین موقع که غلام دارای هیچ استعداد نیست اسباب فراهم که توپ از برازجان برد تلگرافی به حضرت مستطاب امجد ارفع اشرف اقدس و والای نایب السلطنه روحی فداء معروض جنواب تحصیل سواد عیناً درج شد.

امیرالامراء العظام دریابیسگی حاکم بنادر تلگراف شما در خصوص آوردن یک عراده توپ از برازجان و یک عراده از اهواز بوشهر برای رفتن شما به بنادر و جزایر بشرف خاکپای جواهر آسای اقدس اعلی ارواحنا فداء رسید بصدر دستخط انجم نقط مطاع مقرر است توپ ها را بوشهر ببرید ولی رفتن شما عجالاً لازم نیست باید منتظر فرمایش ثانوی باشید این تلگراف را به رئیس توپچیان مأمور بوشهر بنمائید صاحب منصب قابلی برود دو عراده توپ مزبور را از این دو نقطه که نوشته اید با کمال مراقبت و مواظبت به بوشهر بیاورد و انجام این مأموریت را اطلاع دهند نایب السلطنه امیر کبیر تاریخ ۲۳ شهر صفر توپ دراز اهواز را برای عداوت حضرت اجل سردار مکرم که سابقاً حکومت بنادر داشته نوشته که بیک تیر دو نشان و غلام و ایشان بسی قوه نماید مستدعی است تلگراف به حضرت اشرف والا وزارت جنگ دامت شو کته فرمایند که توپ برازجان و اسبهای توپ که از بوشهر

آمده بجناب شجاع الممالک حکم فرمایند متعرض نباشد و در سرازجان بماند این حرکات سرباز کمره توپ راهم باصورت بسیار و جوب ازبrazجان حرکت دهند مفاسد آن بر خود حضرت اشرف اعظم مدظله العالی مبرهن است که چه خواهد شد زیاده قدرت جسارت ندارد

هفتم ربیع الاول صدیق الممالک

بتاریخ ۸ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۱۷ =

در مورد حمله اردو به اشراز تنگستانی

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی قرار شد هفتم اردو حرکت کرده به اشراز تنگستان حمله نمایند سیصد نفر تفنگچی از حیدر خان و زایر خان تنگستانی خواستم سرو عده حاضر کردند فرمان حرکت به هزار وعده نوید سرباز و قبول ایشان توپ را بار کرده شیپور کشیدند یک مرتبه سرباز شکست برای سرازجان عودت نمود میرزا علی اصغر خان یاور اول توپخانه مبارک که بیچاره دید توپ تنها مانده اوهم با توپچیان ناچاراً آمد غلام خانه زاد نمیداند بچه رو دیگر در این صفحه بماند اگر چه بعد از فضل خدا این صفحه در کمال نظم است و راه شاهی چنان منظم [] ، تفنگچیان مواظبند ما فوق آن متصور نیست اسمعیل خان دو نفر کاکای خود جهت سرقت سامان کنار تخته فرستاده بود اگر چه یکنفر از تفنگچیان را آنها کشته اند از اقبال بی زوال حضرت ولی نعم اعظم روحنا فداه تفنگچیان هر دو آنها را بضر بگلوله مقتول کرده اند کاش سربازان را معجلاً احضار شیراز فرمائید بیم آن که سرازجان غیره را هم مغشوش کنند

شب هشتم ربیع الاول صدیق الممالک

بتاریخ ۸ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۱۸ =

در مورد درخواست ابقای توپ در برابر ازجان و جلوگیری از تقویت اشرار

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی مأمور حمل توپ بزرگ اصرار دارد در صورت لزوم حرکت جناب دریابییگی با جهازه دولتی غیر استعداد بحری توپهای بری وجیع بوشهر دارد قصد ایشان فراهم قوت قلب برای اشرار دشتستان [،] مستدعی است از حضرت اشرف والاوزارت جنگ دامت شوکته حکم تلگرافی خطاب به شجاع الممالک توپ بزرگ بر ازجان بماند هشت رأس اسب [،] توپخانه هم که جهت حمل توپ آورده اند نبرند اگر اتفاقی در بنادر افتاد توپهای آنجا کافی نشد توپهای بر ازجان سهل است خود خانه زاد تفنگچیان دشتستان را اگر امر فرمائید بکمک ایشان خواهیم رفت والا در این موقع اسباب چینی ایشان بسیار مضر بحال این صفحه است این بی استعدادی غلام این وضع دریابییگی تغییر راه بوشهر از خشکی داده زیاده از سالی بیست هزار تومان برقاطری از مکانهائی برای خود قرار و دریافت مینماید تمام این قوافل شیرازی ورعیت حضرت اشرف مدظله برای چه این راه داری از رعیت ولی نعمت من بنده میگرد هر گاه رأی مبارک علاقه گرفت مسجل و مدلل میدارم اگر ثابت نکردم از سرم ملتزم میباشم شب روز مواظبت راه شاهی مینمایم و تمام از کیسه خود خرج میکنم از احدی نیم شاهی نخواسته ام عرض دیگر استخلاص از مواقع ضیفه خود را مینماید بحضرت اشرف اعظم مدظله معروض بلکه مرده گانی نیز از ولی نعمت خود مأخوذ نماید در مسئله عنواناتی که سفارت فرانسه در باب باغ حسین آباد و املاک غلام مینمود و خاطر مبارک مسبوق است حمایتها در این باب از غلام خانه زاد فرمودند بمرحمت حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده اتابک اعظم روحافداه

و حضرت مستطاب آقای حجت الاسلامی آقای میرزا سید محمد طباطبائی دامت برکاته ختم شد جواب سفارت را بخوبی دادند دیگر سخنی باقی نماند.

صدیق الممالک

بتاریخ ۱۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۱۹ =

در مورد مواظبت تمام خاک دشتستان تا کازرون و جنگ با اشرار حضور مبارک مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی تلگراف مبارک سفارش احترام و مواظبت از اول خاک دشتستان الی کازرون نوشت بر از جان فرستاد بایشان برسانند یازدهم اخیار رسید اسمعیل خان متجاوز از ششصد تفنگچی استقبال او فرستاد روز دیگر خود غلام فوراً توپ برداشته این قلیل سرباز به وعده ورشوه راضی و حرکت نمود وقتی ملحق به تفنگچیان گردید که گرم جدال بودند غلام هم بدون تأمل حمله کرد خلاصه معروض میدارد پنج شبانه روز است با این نامرد مشغول جنگ میباشم اسب سواری غلام با گلوله الان مقتول یک نفر سرباز و سه نفر تفنگچی مجروح [،] مقتول و مجروح از آن طرف نامعلوم مقرر فرمودین یکصد نفر سرباز فریدنی اگر عجله داری سوار فارسی مرحمت میفرمائید مستدعی از مراتب آستان شاهی لامحاله یکصد و پنجاه نفر فریدنی پنجاه نفر سوار فارسی و فشنک در بندل به غلام برسانند نور محمد خان دالکی خواهش کرده بوده به اردوی غلام ملحق شود اجابت کردم بنایب حسین و کدخدایان آنجا هم نوشتم تفنگچیان برداشته ملحق به اردو شوید در این پنج شبانه روز یکدقیقه آرام نگرفته اند مثل باران بهاری گلوله میریزند در این چند روز غلام خانه زاد مجال را بورت با آستان مبارک ننمود امیدوار بفضل خدا و اقبال بی زوال [،] پدر این شرور سوخته شود.

عبید صدیق الممالک

بتاریخ ۱۷ شهر ربیع اول سنه ۱۳۲۴

= ۲۰ =

در مورد افزایش نیروی اشرار اسمعیل خان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی شدیدتر از راپورت گرم جدال قرار مذکور اسمعیل خان بر عده اشرار افزود و به عقل قاصر غلام میرسد فوراً تلگرافی خطاب به عبدالله بیگ کلانتر فارسی میدان شرف صدور امر فرمایند مسیح خان پسرش با پانصد سوار و پیاده به اردوی غلام ملحق شود عبدالله بیگ الساعه در هفت فرسخی برازجان

عبید صدیق الممالک

بتاریخ ۱۷ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۲۱ =

در مورد دریافت مالیات معوقه و دستگیری اشرار

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای کل مملکت فارس مدظله العالی راپورت اسمعیل خان همه روزه معروض هر شب تفنگچی حدود برازجان میفرستاد برازجانی مستعد دفاع حتی حاجی حسینعلی تاجر پوست فروش شیرازی مراجعت عتبات منزل غلام نیمه شب بقتناً تفنگچیان فرستاده مقابل چاکر منزل بنای تیر و تفنگ به قصبه برازجان گذاشتند در برابر دفاع دیدند فرار کردند حاجی حسینعلی شیراز حاضر است الساعه احضار و پرسش فرمائید تا در خاک پای مبارک معلوم شود غلام بی عقل شرور نیست آنی آرام نگرفت تمام تلگرافات احکام صادره با آنچه لازمه نصیحت و تهدید بود برای او فرستاده ام ابداً مؤثر نشده آن روز هم بقتناً با متجاوز از ششصد تفنگچی حمله یکنفر مقتول کرد غلام ناچاراً حرکت شاید وحشت نماید میخواست عصر آن روز مراجعت به برازجان داستان معروض دارد پس از ورود

و ملاحظه آن هنگامه پنج‌شنبه روز مجال عرض راپورت نکرد هر گاه حرکت نکرده توپ را نرسانیده بود شاید اجتماعی از این مردم را کشته مجروح نموده بود احکام و اجازه سابقه صادره در دست غلام است روز عید مولود را بکلی توقیف کردم او آرام نمی‌گرفت از اول ورود دشتستان تا کنون غلام [،] اسمعیل و پسر [،] دامادش ندیده‌ام مال سنه ماضیه دل‌بخوا ایل شبانکاره را میالقی نداده آن وضع اهرم تنگستان که آقا سید مرتضی حسین خان رئیس حاجی ابن فرهاد غیره دو ماه نیم اردو را معطل پس از اینکه از خارج به هزار لطایف الحیل رشوه خلع و اسباب چینی توسط زایر خضر خان قلعه ازید حسین خان تخلیه [،] فرسان پورش به سر باز برای حمله بر رئیس حاجی ابن فرهاد و بی بضاعتی سر باز و مراجعت به بر از جان این هم کار فیصل نداده رجعت کند دیگر پیشرفت نخواهد کرد جمال خان بابت سنه ماضیه دشتی دیناری نداده تماشا میکند هر گاه يك نقطه پیشرفت کرد او هم مطیع است و الافلا دشتی دشتستان بدون استعمال قوه قهریه در اداء دیناری مالیات حاضر نخواهند بود میرزا عبداله خان مباشر خشت و نور محمد خان کلانتر دالکی خواسته بودم وارد شدند تا يك اندازه عرصه هم بر اسمعیل خان تنگ شده هر گاه امر مبارک تلگرافاً به عبداله - بيك فارسی میدان شرفصد و ریابد با سیصد چهار صد نفر ملحق بشود کار تمام دشتی دشتستان منظم خواهد شد و الافلا حسب الامر مبارک قدغن بسنگر داران خود نمودم دست از پا خطا نکنند تلگراف مبارک را هم معتمد السلطان آقامیرزا - علی اکبر خان یاور تلگرافخانه مبارک که خودشان حامل بودند و واقعه را هم عرض میکند ولیکن خود باید در عموئی بمانم تا مقصرین که قاتل باز یار بر از جانی و کلبعلی خان بیچاره و غیره را از او دریافت کنم محمد خان و پسر و کسانش که اسیر و حبس کرده حسب الحکم مبارک گرفته‌ها نمایم. دارائیش که غارت کرده گرفته رد کنم مالیات سنه ماضیه شبانکاره وصول نمایم و عامل دیگر برای شبانکاره معین کنم و در مقابل شرارت‌هایش تارای مبارک چه اقتضا فرماید و الا غلام صاحب رأی نیست و مطیع امر مبارک میباشم میفرمائید بر از جان

مراجعت کند فوراً حرکت خواهد کرد دیگر از آنجا هم باید به شیراز شرفیاب شوم جاروب کشتی قهوه خانه مبارک افتخارش هزار درجه از عاملی این صفحه جات بالاتر است شرارت مافوق تصور دروغ نویسی و چاپ نویسی و اشتباه کاری زیاده از حد حصر مدخل واله دیناری نیست در آستان مبارک مقصر و بی عرضه هم بشود چیزی که غلام را با هیچ استعداد و این صفحه را منظم نگاه داشته فقط همان مرحمت حضرت ولینعم اعظم روحی فدا خواهد بود والسلام

۱۹ شهر ربیع الاول صدیق الممالک

بتاریخ ۱۹ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۴

= ۲۴ =

در مورد آزادی کسان مهمدخان از اسارت اسمعیل خان و اجازه

خروج از برازجان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمانفرمای کل مملکت فارس مدظله العالی پس از جنگ شدید با اسمعیل خان شبانکاره مهمد خان و پسر و کسان گرفتم حاضر شده بود اموال مهمدخان که غارت کرده بود رد و اموال میرزا حسین خان بدهد و اداء مالیات سنه هاضیه شبانکاره نماید مگر انکار از رد نمودن محمد علی خان پسرش قاتل کلبعلی خان و آقاخان قاتل جوان بازیار برازجانی و غیره تلگراف جوابیه اش نمره ۱۳ از شیراز به بندر ریگ از حضرت مستطاب آقای حاجی معین الشریعه دامت برکاته که بقیه آن از مصدر حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم روحنا فداه شرف صدور یافته بود قدرت جسارت و علناً درج و معروض میدارد مقرب الخاقان اسمعیل خان تلگرافات شما رسید اگر چه معاذیر شما در باب مهمدخان و کسانش و غیره معلوم است نهایت آنکه صلاح نباشد در خاک زیراه توقف کند باید او را نزد جناب صدیق الممالک بفرستید که همراه به برازجان ببرد این تمهد را در حضور مبارک کرد و حکم مبارک را صادر کردم معین الشریعه

بقیه جواب نمره ۳ جناب جلالتمآب صدیق الممالک از کارهای خودتان راپورت بدهید بشمانوشتم که جنگ را موقوف بدارید بازهم مینویسم جنگ را موقوف و از این ساعت به بعد نباید به امساک زبیرا خسارتی وارد بیاید که شخص شما مسئول خواهید بود البته خیلی زود راپورت خودتان را تلگراف کنید تا دستور العمل لازمه را بدهم و تکلیف شما را معلوم کنم غلام حسین غفاری پس از وصول این تلگراف بکلی اسباب انکار او از فقرات معروضه و یأس غلام خانه زاد دیگر دست از پا خطا نکرده بفاصله چهار هزار قدم اردو مقابل یکدیگر داریم دستخط مبارک شما با پست زیارت رفع بعضی شبهات از غلام شده در مقام جسارت مستدعی میشود به اسمعیل حکم تلگرافی در نهایت تشدد و سختی شرفصددور یابد که اموال میرزا حسین-خان و مهمد خان تماماً بتوسط غلام مسترد مالیات سنه ماضیه شبانکاره بدهد و قاتلین تسلیم کند به نمک مبارک قسم از روزیکه مهمدخان و کسان دریافت کردهام چنان دشتستان منظم شده که مافوق آن متصور نیست حتی سارقین که سامان کنار تخته کراراً زده بودند از بیم و هراس تمام قاطرها و الاغها و تنخواه مردم خودشان بصاحب اموال رد نمودند نهایت بعنوان مرده گانی چیزی گرفته اند هر گاه انشاء الله بطوریکه مرقوم فرموده اند استعداد برسد غلام خانه زاد تمهید همه نوع نظم و وصول مالیات سنه ماضیه و هذه السنه خواهد کرد مسئله عربضه غضنفر السلطنه بایست تقدیم مینماید

غلام زر خرید صدیق الممالک

بتاریخ ۴ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۴

=۲۳=

این تلگراف در مورد بی مهریست که از جانب فرمان فرمای کل فارس نسبت به صدیق الممالک مرئی گشته و صدیق الممالک استعفای خود را بعرض میرساند حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم فرمان فرمای

کل ممالکت فارس مدظله دستخط تلگرافی که با اظهار کمال مرحمت و تمجید از غلام خانه زادشرفصدور یافته بود زیارت و مادام العمر برای افتخار خود نگاه میدارد دیناری از اموال مهمدخان هنوز نداده اند مالیات سنه ماضیه نیز اگر بدهد لامحاله به نسیه کاری و قیمت مخابرات و غیره میدهد میفرمائید اسمعیل خان تعهد همه نوع خدمت کرده قرار داده ایم بخود خوانین مطابق معمول و اگذار در شیراز ختم شود چند کلمه دیگر قدرت جسارت مینماید پس از این همه شرارت و جدال و این همه مخارج برای غلام خانه زاد عمل در شیراز ختم شود دیگر چیزی برای غلام خانه زاد باقی خواهد ماند دشتستان از قرار معلوم آنچه باقی مانده بر ملکیت بندگان حضرت مستطاب اشرف اقدس اعظم والا روحنا فداء تعلق یافته زحمت مخارج فوق الطاقه باغلام خانه زاد عمل در شیراز ختم شود دیگر ابقاء غلام بی ثمر در تمام این صفحه نه عرض دادی است نه چوب فلکی از خاک پای مبارک مستدعی چنانم زیاده از این به افتضاح و خسارت غلام خاطر مبارک راضی نشود به نمک مبارک کت قسم در مسئله اهرم و خائیز تنگستان و اعمال اسمعیل خان پانصد تومان مخابره تلگراف داده و سه چهار هزار تومان دیگر مخارج خود غلام شده با آن وضع اشتباه کاری آقا سید مرتضی و حسینخان و حاجی ابن فرهاد و حرکات سر باز دیناری از مالیات سنه ماضیه وصول نشده نیم شاهی هم فایده دیگر نداشته این هم که بعد از همه تضررات هیچ ولیکن باید رفع اشتباه نماید اولاً به نمک مبارک قسم از اول ورود دشتستان تا کنون اسمعیل- خان و کسانش را ابد آغلام ندیده ام و متمرّد بوده اند مالیاتی را هم که در سنه ماضیه قبول کرده دل بخواه خودش بوده نه از روی مأخذ حالا که ملک شده باید عمل آنجا را ملاحظه کرد قسمی برای خوانین منظور بساقی را قرار اجاره گذاشت بلوک شبانکاره شاید پنجاه قریه است به قرار معلوم هیجده هزار- تومان خودش اجاره میدهد شش هزار تومان آن مال خوانین دوازده دیگر بمالک بدهند و به این مبلغ مشتری دیگر هم حاضر است هر گاه در حضور مبارک اشتباه کاری را موقوف کنند از او انتزاع بدیگری اجاره میدهم سه

تومان هم برای حضرت اشرف اعظم مدظله العالی تقدیم دریسافت مینمایم اسمعیل خان کرار آ شیخ حسین حیات داودی نزد غلام فرستاد سه هزار تومان هم به غلام تعارف میداد که شبانکاره اجاره نماید غلام قبول نکرد در مقابل این حرکات صحیح ندانست که مستأجر ولی نعمت و ولی نعمت زاده ام این شررور بوده باشد اگر بگذارند خدمت نمایانی حضور مبارک خواهم کرد والا نه صاحب رأیی نه دارائی نه جان و مال و نه کاری پیش خواهد رفت و نیز مستدعی خواهد بود عمل دشتی و اهرم و غیره از بابت سنه ماضیه و هذالسنه یا همان شیراز ختم یادگیری را مأمور این صفحه فرمایند با این وضع غلام عاجز است استدعای عفو از خاکپای مبارک و شرفیابی شیراز دارد

عبدالعزیز صدیق الممالک

بتاریخ ۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۴

= ۲ =

در مورد یاغی شدن میرزا علیخان عامل برازجان و پناهنده شدن او و پرسش
به تلگرافخانه انگلیس

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی میفرمایند سواد تلگراف علی برازجانی از ریگ دریافت مطالبه کرد عذرخواستند تفصیل معروض اول سال برازجان به میرزا- علیخان واگذار فرموده بودند مبلغی مالیات مأخوذ پس از ورود حواله کردم نداد غلام اندکی تشدد اوهم تفنگچی گزاف حاضر کرد خانه زاد مطالبه را موقوف و از چاه کوتاه و ایگانی که خاک بندر است و تنگستانی تفنگچی تدارک کرد او و پرسش حکم به رعیت که کوهی شوید غلام هم دو قرآن مهر کرد نزد مجتهدین فرستاده که رعایا اطمینان دهند رعایا مطمئن شده او را جواب دادند از همراهی رعیت که مأیوس شد تلگرافخانه انگلیس پناهنده بعد خود و پرسش با تفنگچیان پای توپ ریختند در ظاهر تعهد خدمت و اداء

مالیات خلعت دادم ثنائياً مشغول مأخوذ جداً مطالبه نمودم بر روج تصرف هواداران او بمهر بانی متفرق باتوب حمله کردم امان خواست قبول نمودم فرار کرد مبالغی مالیات بر از جان برده در نزد اسمعیل خان شبانکاره شوهر خواهرش پناهنده میرزا محمدخان غضنفر السلطنه که متجاوز از چهل سال پدرش و خودش عامل بر از جان بوده اطمینان داده عمل با او اگذار و مشغول خدمت است میرزا علیخان و آقاخان پسرش بکلی از خاک بر از جان خارج در گوشه و کنار مشغول دزدی میباشد امروز هم يك نفر بضر بگلوله مقتول میگویند آقاخان کشته دیگر عاملی بر از جان برای او محال است مردم بکلی از او بگری شده اند مگر اینکه به حکم دیوانیان عظام چند صد نفر به قتل برسند مگر ناچاراً راضی شوند تلگراف تمجید از غضنفر السلطنه از طهران زیارت شده با پست از لحاظ مبارك میگذراند

غلام زر خرید صدیق الممالک

بتاریخ ۳ شهر محرم سنه ۱۳۲۴

= ۲۵ =

در مورد تمانی آقا سید مرتضی اهرمی و حسین خان حیدرخان بر علیه

صدیق الممالک

حضور مبارك حضرت اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی جناب آقا سید مرتضی اهرمی معروض داشته صدیق الممالک پس از يك مالیات سالیانه و اجحاف فوق العاده که از مباشرین تنگستان اخذ نموده باز در صد توپ و سرباز فرستادن است نصف رعایا فرار کرده اند بفریاد برسید پنج هزار و سیصد و پنج تومان اصل مالیات اهرم و خاویز و غیره در شیراز از غلام تمسک گرفته اند علناً حسین خان تمسک داده حاضر دوهزار تومان هم تتمه مالیات تنگستان بوده در مأخوذ حیدرخان تمسک حسین خان موجود از قرار اینکه حضرت مستطاب اشرف والا آقای اجلال الدوله دامت شو کته در شیراز مرقوم

دو هزار و دوویست تومان هم ایشان ادعای تفاوت عمل و حوق مالکی حضرت مستطاب اشرف آقاسی نظام السلطنه مدظله میفرمایند و اله العلی العظیم بسمبارك قسم يك هزار و دوویست تومان تا کنون از اصل مالیات حسین خان نداده و به دستورالعمل جناب آقا حاجی ابن فرهاد و تفنگچیان در قلعه اهرم و یسای گری مینمایند حسب الامر مبارك اردوئی که فرستاده ام دو فرسخی اهرم اقامت و انتظار دستورالعمل دارد هر چند خواست شاید تا حسن خان کنار بیاید نشد مالیات آن صفحه همه ساله با توپ و تفنگ وصول آنهم با استعداد گزاف زمان اغتشاش شیراز جناب آقا سید مرتضی و دیگری رئیس حاجی ابن فرهاد خواسته اند بوشهر دستورالعمل آشوب و تنگستان مقاومتش دادند لدی الورد هفت نفر بیچاره را بضرر گلوله مقتول کرد غلام آن روز تکلیف درسکوت دانست زایر حسن هم ده تومان از سردار مکرّم گرفته [چند کلمه ناخوانا] بود تازه مراجعت و بدستورالعمل آقا سید مرتضی با حاجی ابن فرهاد تلگراف حضور مبارك مینمایند بهرچه از مالیات به غلام داده اند قبوض ارسال باقی راهم به ایالت جلیله اعتبار هزینه اجحافیکه مخاברה کرده اند در صورت صدق بموجب این عریضه تلگرافی قران يك تومان از عهده برسانم بسمبارك قسم اگر يك قران به آنها تعدی کرده باشم یا اهرم را دیده باشم غلام خانه زاد دلال مظلمه نیست فقط همان مخارج تعهد غلام بوده حاجی ابن فرهاد و زایر حسن دو نفر اشرار میباشند آه در بساط ندارند علاوه بر تفنگچی خودشان از تفنگچیان دشتی امداد آورده در قلعه دور حسین خان گرفته اند خوانین وارد سامان و کدخدایان دشتستان که همه اشرار ناس هستند برای هفت نفر که رئیس حاجی کشته آنی آرام ندارند غلام خانه زاد يك طوری جلو گیری کرده چون حاجی فرهاد هم میداند خلاصی از برایش نیست آمده در قلعه همدست حسین خان شده حامی و مقتول اشتباه کاری آقا سید مرتضی در بوشهر حاضر است.

غلام زر خرید صدیق الممالک

بتاریخ ۱۶ شهر محرم سنه ۱۳۲۴

= ۲۶ =

در مورد شرارت اسمعیل خان و حمایت او از سایر اشرار و درخواست عوض از شیراز حضور مبارک‌بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله‌العالی میرزا علیخان آقاخان پسرش در پناه اسمعیل‌خسان شبانکاره شرارت آقاخان بدستور العمل اسمعیل‌خان تفنگچیان همراه آقاخان تماماً از اسمعیل‌خان جوان بزرگتر بیچاره را آقاخان از روی کمال عمد بضر بگلوله مقتول کرده کراراً به اسمعیل‌خان نوشتم اشرار نزد خود نگاه ندارد. تفنگچی برای قتل سرفقت همراه نکند چاره نشد پس از زیارت تلگراف مبارک فوراً اعلام حسین-خان سر کرده سوار مأمور نمودم تلگراف مبارک را هم برای ارائه اسمعیل‌خان با وسپرد و نوشت که بدون استماع سخن حکماً حتماً این جوان قاتل دزد باشی اسمعیل‌خان را از خان مشارالیه مطالبه و دریافت نماید سارقین که با ملامنصور-داغیانی همدست [۱] قاطر برده‌اند معین کرده‌ام جماعت فارسیمدان من طایفه قشقایی باید سارق قاطر را از جناب صولت‌الدوله بخواهند پتوی میرزا اسمعیل-خان تلگرافچی به امور روانه حسب الامر مبارک عین یاغرامت از کدخدای محمد-حسن کنار تخته دریافت نماید علی‌باز کله بر از جان بخاک دشتی برده گمان می‌رود این دستور العمل نیز از میرزا علیخان و آقاخان صادر شده تفصیل آن بعد معروض گویند تفنگچی کنار تخته هفت هشت نفر مقرر داشته از جسارتاً معروض سامان کلیه سپرده جناب امین‌الرعیایا خودش شیراز احضار مقرر فرمایند هر چه سابقاً تفنگچی داشته همان عدد یا برقرار دارند پنج فرسنگ کوه کتل کنار تخته هفت هشت نفر تفنگچی یا خدا را باید خواست یا خرمارا یا پول یا نظم و آبرو سر باز فریدنی مستحفظ تفنگچیان بوده احضار شیراز مستدعی است عوض روانه فرمایند عده هم لامحاله دو مساوی آن تلگراف مبارک را فوراً نزد آقا سید مرتضی میفرستد هر گاه آرام نگرفت بعد اقدامات در تنبیه اشرار مینماید

غلام زر خرید صدیق الممالک

بتاریخ ۱۹ شهر محرم سنه ۱۳۲۴

(۳۱)

کتابخانه مدرسه فیضیه

=۲۷=

در مورد مطیع ساختن طایفه قشقائی

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم آقای وزیر مخصوص مدظله العالی عبدالله بیک کلانتر فارسی میدان من طایفه قشقائی از پشت کوه احشام خود برای معالجه عازم بوشهر فوراً مخابره فرمایند عبدالله بیک کلانتر فارسی میدان بر من محقق شد ملا منصور محمد حسن دزد داغیانی با طایفه شما همدست کتل ملو و کنار تخته سرفه ها نموده بدون استماع عذر باید ملا منصور - محمد حسن و سارقین را گرفته بصدیق الممالک تحویل نمائید و نیز اموال مسروقه را هم حکماً از شما میخواهم اگر مسامحه نمودی حکم میکنم بصولت الدوله طایفه ات را قتل و غارت کند شب بیستم جناب آقای میرزا حسین خان سرتیپ دام آقباله فوراً باید از لحاظ مبارک بگذرانند که موقع میگذرد.

صدیق الممالک

بتاریخ ۲۰ شهر محرم سنه ۱۳۲۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Reed at

INDO-EUROPEAN TELEGRAPH DEPARTMENT.

Main
Minor.

Daily No. 57

9. 2. 1906

Monthly No.

by

Shiraz from Borasjoen

Trans. at
Main
Minor.
by

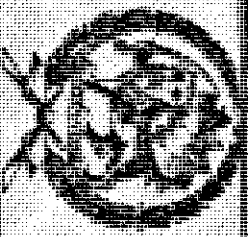
Class.	No.	Words.	Original date and time transmitted by sender.
E	2	368	8 1 pm

OFFICIAL INSTRUCTIONS.

Vid

To korooreh mogbarakeh bandigonkeh hazratet
 mostatabeh azleh ahrankeh ashrakeh azan
 amareh shayekh marksoos Jameh eabalo
 aali Shiraz -

Sabeqan telegraf dar masaleh
 choobeh son telegraf jamoodid jorob teyaz
 uzj band bek medazkeh nizeh mifarmayand
 khabari az gholamch shomroozeh Nourid est
 shayed son teyazakeh an tarajeh hazratet
 ashrakeh azleh ahrankeh ashrakeh azan
 amareh shayekh marksoos Jameh eabalo
 aali Shiraz -



شماره ۷

کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ثبت: ۱۳۵۷
شماره ثبت: ۱۱

این کتاب به استحضار می‌رساند که در تاریخ ۱۳۵۷/۰۱/۰۱ در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۱ می‌باشد. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده است.

کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تلگراف شماره ۷



شماره ۶

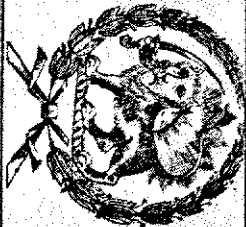
کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ثبت: ۱۳۵۷
شماره ثبت: ۱۱

این کتاب به استحضار می‌رساند که در تاریخ ۱۳۵۷/۰۱/۰۱ در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۱ می‌باشد. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده است.

کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تلگراف شماره ۶



جمهوری اسلامی ایران

از مهر

شماره ۴

اطلاعات

تاریخ کتابخانه

عدد کتب

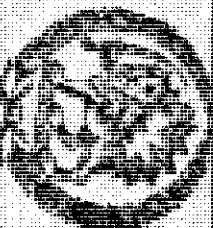
صفحه

کتابخانه عمومی حضرت امام خمینی (ره) مشهد
این کتاب در فهرست کتابخانه مذکور است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۴ در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.

کتابخانه

تاریخ

کتابخانه



جمهوری اسلامی ایران

از مهر

شماره ۴

اطلاعات

تاریخ کتابخانه

عدد کتب

صفحه

کتابخانه عمومی حضرت امام خمینی (ره) مشهد
این کتاب در فهرست کتابخانه مذکور است و در تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۰۴ در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.
مهر خاندان محترم حضرت امام خمینی (ره) در این کتابخانه ثبت گردید.

کتابخانه

تاریخ

کتابخانه



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

آر ۱۰۸

اطلاعات

تاریخ تصدیق

۱۳۰۳

شماره

بسم الله الرحمن الرحیم
این کتاب در روز ... در شهر ...
توسط ...
در کتابخانه ...
تاریخ ...
شماره ...

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

اطلاعات

تاریخ تصدیق

۱۳۰۳

شماره

شماره کتابخانه ۹



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

آر ۱۰۸

اطلاعات

تاریخ تصدیق

۱۳۰۳

شماره

بسم الله الرحمن الرحیم
این کتاب در روز ... در شهر ...
توسط ...
در کتابخانه ...
تاریخ ...
شماره ...

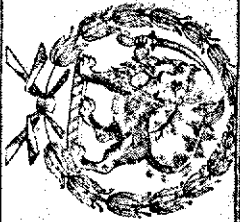
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

اطلاعات

تاریخ تصدیق

۱۳۰۳

شماره



شماره ۲

روزنامه اطلاعات

روزانه

تاریخ

تاریخ

تاریخ

تاریخ

Handwritten text in Urdu script, likely a news report or editorial, discussing political or social issues of the time.

کشمیر

۱۳۲۷

شماره

۱۳

تاریخ

روزانه



شماره ۲

روزنامه اطلاعات

روزانه

تاریخ

تاریخ

تاریخ

تاریخ

Handwritten text in Urdu script, continuing the news report or editorial from the previous page.

کشمیر

۱۳۲۷

شماره

۱۳

تاریخ

روزانه



کتابخانه مدد رشت لیسوالیہ

۱۹۳۲

ای آئی اے این وی وغلیہ پیرا

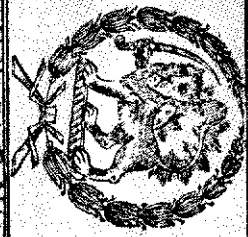
اے آر اے

بہ

نمبر	عد کلک	انج اصل مطلب	اطلاعات
۱۰	۲۷۸	روزہ شاعت	دیہ

حضور بک سرمان حضرت صاحب اسیر شرفی در کتب میں منظر آگے شرف بک بکد کتب میں منظر آگے اور انکے دور دور
 رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 در انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 دار و شرف میں ہوا ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور
 اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور رفت تفسیر رضی اللہ عنہم سے در ہوا ہے کہ ہے اور انکے دور دور

بواہیہ تلکرافتہ شائع ۲ شہد ۳۲ کہتہ شد



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آذربایجان

اطلاعات

تاریخ ارسال حکام

۲۵۶۴

دوره

۱۲۹

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

کتابخانه

شماره

تاریخ دریافت

تکلیف شماره ۱۱



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اصول

اطلاعات

تاریخ ارسال حکام

۲۵۶۴

دوره

۱۶۳

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

کتابخانه

شماره

تاریخ دریافت

تکلیف شماره ۱۰



کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ۱۰۰

اطلاعات

تاریخ تصدیق

شماره ۱۰۰

این کتاب در تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی در کتابخانه مجلس شورای ملی ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۰۰ می باشد. این کتاب در تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی در کتابخانه مجلس شورای ملی ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۰۰ می باشد.

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاریخ تصدیق
شماره ۱۰۰



کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ۱۰۰

اطلاعات

تاریخ تصدیق

شماره ۱۰۰

این کتاب در تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی در کتابخانه مجلس شورای ملی ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۰۰ می باشد. این کتاب در تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی در کتابخانه مجلس شورای ملی ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۰۰ می باشد.

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی
تاریخ تصدیق
شماره ۱۰۰



کتابخانه مجلس شورای ملی
کتابخانه ملی ایران

از
باز

اطلاعات	تاریخ اصل مطلب	عدد کلمات	نمبره
	دو ساعت	۱۳۸	۲

جناب حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در تاریخ ۱۳۸۲ هجری قمری در حکم محنت آنها به منصب و مقام
 پرندیت است نفعی که در آن واضح بنای شراست و خاسته که است که این خود بر سر دست است از یاد و نام خود در شرف است
 است به تنه که است نفعی که در آن واضح بنای شراست و خاسته که است که این خود بر سر دست است از یاد و نام خود در شرف است
 کثیره که است نفعی که در آن واضح بنای شراست و خاسته که است که این خود بر سر دست است از یاد و نام خود در شرف است
 جارت ندانند تمام نفعی که در آن واضح بنای شراست و خاسته که است که این خود بر سر دست است از یاد و نام خود در شرف است

تاریخ	شماره	کتابخانه	کتابخانه
۲	۳۲۲	کتابخانه	کتابخانه



جمهوری اسلامی ایران

آرشیو

موضوع	تاریخ تصویب	محل اجرا
مدرسه	۱۳۳۳	تهران

بسم الله الرحمن الرحیم
 این سند در تاریخ ۱۳۳۳ در شهر تهران تصویب گردید.
 در خصوص موضوع مذکور در این سند.

جمهوری اسلامی ایران
 ۱۳۳۳
 شماره سند



جمهوری اسلامی ایران

آرشیو

موضوع	تاریخ تصویب	محل اجرا
مدرسه	۱۳۳۳	تهران

بسم الله الرحمن الرحیم
 این سند در تاریخ ۱۳۳۳ در شهر تهران تصویب گردید.
 در خصوص موضوع مذکور در این سند.

جمهوری اسلامی ایران
 ۱۳۳۳
 شماره سند



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

آب ۱۱۱

کتاب	۱۱۱
موضوع	تاریخ و جغرافیه
موضوع	تاریخ و جغرافیه
موضوع	تاریخ و جغرافیه

این کتاب به خط نستعلیق و در ۱۱۱ صفحه درج شده است. مؤلف آن جناب آیت الله العظمی بروجردی است. این کتاب در ۱۳۲۲ هجری قمری در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۱۱۱ صفحه درج شده است. مؤلف آن جناب آیت الله العظمی بروجردی است. این کتاب در ۱۳۲۲ هجری قمری در تهران چاپ شده است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاریخ و جغرافیه
آب ۱۱۱

تکلیف شماره ۱۷



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

آب ۱۱۱

کتاب	۱۱۱
موضوع	تاریخ و جغرافیه
موضوع	تاریخ و جغرافیه
موضوع	تاریخ و جغرافیه

این کتاب به خط نستعلیق و در ۱۱۱ صفحه درج شده است. مؤلف آن جناب آیت الله العظمی بروجردی است. این کتاب در ۱۳۲۲ هجری قمری در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۱۱۱ صفحه درج شده است. مؤلف آن جناب آیت الله العظمی بروجردی است. این کتاب در ۱۳۲۲ هجری قمری در تهران چاپ شده است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاریخ و جغرافیه
آب ۱۱۱

تکلیف شماره ۱۶



جمهوری اسلامی ایران

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تظلمات

تاریخ تصدق

۱۳۵۸

مهر

بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب که در تاریخ ... در شهر ...
در مقام ...
تظلمات ...
تاریخ ...
مهر ...

تکرار شماره ۱۹



جمهوری اسلامی ایران

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تظلمات

تاریخ تصدق

۱۳۵۸

مهر

بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب که در تاریخ ... در شهر ...
در مقام ...
تظلمات ...
تاریخ ...
مهر ...

تکرار شماره ۱۸



تعمیر و تعلیم

آر بنیاد

اطلاعات

تاریخ انتشار

۱۳۳۴

۷

تعمیر و تعلیم در ایران در گذشته بسیار ضعیف بود و در این سالها که ما در راه پیشرفت و توسعه هستیم باید که در این زمینه نیز اقدامات اساسی را بعمل آوریم و در این باره دولت در نظر دارد که در سالهای آینده بودجه قابل توجهی را در اختیار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه قرار دهد تا بتواند در این زمینه اقدامات اساسی را بعمل آورد و در این باره دولت در نظر دارد که در سالهای آینده بودجه قابل توجهی را در اختیار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه قرار دهد تا بتواند در این زمینه اقدامات اساسی را بعمل آورد

کوشش

۱۳۳۴

۱۹

تعمیر و تعلیم



تعمیر و تعلیم

آر بنیاد

اطلاعات

تاریخ انتشار

۱۳۳۴

۷

تعمیر و تعلیم در ایران در گذشته بسیار ضعیف بود و در این سالها که ما در راه پیشرفت و توسعه هستیم باید که در این زمینه نیز اقدامات اساسی را بعمل آوریم و در این باره دولت در نظر دارد که در سالهای آینده بودجه قابل توجهی را در اختیار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه قرار دهد تا بتواند در این زمینه اقدامات اساسی را بعمل آورد و در این باره دولت در نظر دارد که در سالهای آینده بودجه قابل توجهی را در اختیار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه قرار دهد تا بتواند در این زمینه اقدامات اساسی را بعمل آورد

کوشش

۱۳۳۴

۱۹

تعمیر و تعلیم

۱۳۰۲



جمهوری اسلامی ایران
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

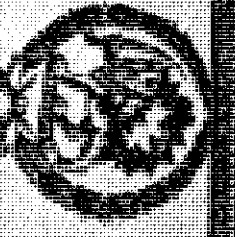
کتابخانه

کتاب	مجله	روزنامه	کتابچه	سایر
۱	۱	۱	۱	۱

این کتاب در کتابخانه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در تهران
 در تاریخ ۱۳۰۲/۱/۱ ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۳۰۲/۱/۱ است.
 در صورت نیاز به این کتاب می توانید به آدرس فوق الذکر مراجعه فرمایید.

کتابخانه
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 تهران

۱۳۰۲



جمهوری اسلامی ایران
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کتابخانه

کتاب	مجله	روزنامه	کتابچه	سایر
۱	۱	۱	۱	۱

این کتاب در کتابخانه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در تهران
 در تاریخ ۱۳۰۲/۱/۱ ثبت گردید و شماره ثبت آن ۱۳۰۲/۱/۱ است.
 در صورت نیاز به این کتاب می توانید به آدرس فوق الذکر مراجعه فرمایید.

۱۳۰۲



جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی

این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است.

کتابخانه ملی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی



جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی

این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است. این کتاب در فهرست کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ثبت گردیده است.

کتابخانه ملی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی
کتابخانه تخصصی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
از این کتاب
پایه و اساس

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

فرد	عدد کتب	تاریخ اصلا مطلب	اطلاعات
روز	ساعت	دقیقه	

حضرت پیران حضرت پیران...
 در ظاهر قصد خدمت را دارا ایات خلف و ام...
 قیومند و در آن روز و شب...
 بر زبان نطق و ملامت...
 از مردم که کفر و نفاق...
 بر توبه توبه...

بواسطه تملک فی الف...
 شماره ۳...
 ۱۳۳۳...
 گرفته شد



شماره

آر ۱۰۰

کتابخانه

تاریخ کتابت

موضوع

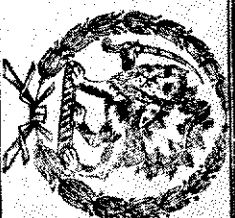
Handwritten text in Persian script, likely a library record or a short treatise. The text is dense and fills the upper portion of the page.

کتابخانه

تاریخ کتابت

موضوع

کتابخانه



شماره

آر ۱۰۰

کتابخانه

تاریخ کتابت

موضوع

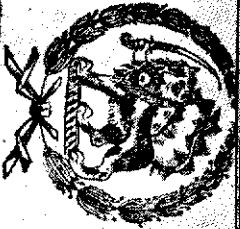
Handwritten text in Persian script, continuing the library record or treatise from the left page. The text is dense and fills the upper portion of the page.

کتابخانه

تاریخ کتابت

موضوع

کتابخانه



کتابخانه ملی ایران

آرشیو

اطلاعات	تاریخ ساخت کتاب	ردیف	تاریخ ثبت	موضوع
	۱۳۰۳	۳۲۰		

سند به کتابخانه ملی ایران در تاریخ ۱۳۰۳ خورشیدی
 در شهر تهران و در محله قزوین
 در روز شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۰۳ خورشیدی
 در شماره ۳۲۰ ثبت گردید
 در موضوع تاریخ و جغرافیا
 در تعداد ۱ جلد
 در نویسنده آقای دکتر محمد علی...

کتابخانه ملی ایران

تاریخ ساخت کتاب

ردیف



کتابخانه ملی ایران

آرشیو

اطلاعات	تاریخ ساخت کتاب	ردیف	تاریخ ثبت	موضوع
	۱۳۰۳	۳۲۰		

سند به کتابخانه ملی ایران در تاریخ ۱۳۰۳ خورشیدی
 در شهر تهران و در محله قزوین
 در روز شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۰۳ خورشیدی
 در شماره ۳۲۰ ثبت گردید
 در موضوع تاریخ و جغرافیا
 در تعداد ۱ جلد
 در نویسنده آقای دکتر محمد علی...

کتابخانه ملی ایران

تاریخ ساخت کتاب

ردیف